

# طرح قطعنامه درباره انجمن های تعاونی (کنوپراتیو) از هیئت نمایندگان سوسیال دمکرات روسیه در کنگره کپنهاک (۱)

کنگره بر این عقیده است که :

۱- انجمنهای تعاونی پرولتری، طبقه کارگر را از طریق کم کردن استثمار توسط دلالان، تأثیر گذاشتن بر شرایط کار در مؤسسات خدماتی و بهبود وضعیت کارگران ادارات و غیره، به بهبود وضع خویش قادر می سازد.

۲- انجمنهای تعاونی پرولتری اهمیت فزاینده ای در مبارزه جمعی اقتصادی و سیاسی، کمک رساندن در اعتصابات، تعطیلی کارخانه ها و موارد سوانح کار و غیره را بر عهده می گیرند.

۳- انجمنهای تعاونی پرولتری، از طریق سازماندهی توده های طبقه کارگر، به آنها اداره مستقل و سازماندهی توزیع را آموخته و در این زمینه آنها را در جهت ایفای نقش سازمانده زندگی اقتصادی در جامعه سوسیالیستی آینده آماده می سازند.

از طرف دیگر کنگره بر این عقیده است که :

۱- اصلاحات حاصل از انجمنهای تعاونی تا هنگامی که وسائل تولید و توزیع در دست طبقه ای است که سلب مالکیت از آن هدف اصلی سوسیالیسم می باشد، منحصر به حدود کوچکی است.

۲- انجمنهای تعاونی اگر صرفاً سازمانهای تجاری بوده و تابع فشار شرایط رقابت باشند تمایل تبدیل شدن به کمپانیهای سهامی بورژوائی دارند.

۳- انجمنهای تعاونی هر گاه تشکیلاتی برای مبارزه مستقیم علیه سرمایه نباشند، می توانند این فریب را به وجود آورند و می آورند که آنها ابزاری جهت حل مسئله اجتماعی هستند.

بنابراین کنگره، کارگران تمام کشورها را فرا می خواند تا :

الف - به انجمنهای تعاونی پرولتری پیوسته و به هر طریق توسعه آنها را افزون تر کرده و تشکیلات آنها را در امتداد خطوط اکیداً دمکراتیک (حق اشتراک نازل و یک سهم برای هر نفر) هدایت کنند.

ب - با تبلیغ و ترویج خستگی ناپذیر سوسیالیستی در بین انجمنها به گسترش ایده های مبارزه طبقاتی و سوسیالیسم در میان توده های کارگران کمک نمایند.

ج - با رشد تقاهم سوسیالیستی در انجمنهای تعاونی، ارتباط ارگانیک را بین انجمنهای تعاونی و حزب سوسیالیست و همچنین با اتحادیه های کارگری توسعه و تحکیم بخشند.

د - همچنین کنگره خاطر نشان می سازد که تعاونیهای تولیدکننده تنها در صورتی می توانند به مبارزه طبقه کارگر کمک نمایند که از اجزاء ترکیبی تعاونیهای مصرف کننده باشند.

به تاریخ ۱۶ - ۱۷ اوت سال ۱۹۱۰ نوشته شد (مجموعه آثار لنین جلد ۱۶)

## توضیحات

۱- کنگره انترناسیونال سوسیالیست در کپنهاگ، از تاریخ ۲۸ اوت تا سوم سپتامبر ۱۹۱۰ تشکیل شد. در این کنگره ح.س.د.ک.ر. توسط لنین، پلخانف، لوناچارسکی و دیگران نمایندگی

می شد. کمیسیونهای متعددی جهت بحث های مقدماتی و طرح های قطعنامه ها در خصوص مسائل مشخص، از طرف کنگره تشکیل شد. لنین در کمیسیون تعاونیها فعالیت می کرد. طرح او برای قطعنامه تعاونیها اساس طرح قطعنامه پیشنهادی به کمیسیون تعاونیها توسط ح.س.د.ک.ر. را تشکیل داد. در خصوص کار کمیسیون کئوپراتیوها و متن طرح قطعنامه هیئت نمایندگی ح.س.د.ک.ر. درباره کئوپراتیوها، به مقاله لنین به نام «مسئله انجمنهای تعاونی در کنگره انترناسیونال سوسیالیست در کپنهاگ» مراجعه نمایید.

\*\*\*\*\*

## آیا شعار «آزادی اجتماعات» امروزه می تواند بمثابة امری اساسی در خدمت جنبش طبقه کارگر قرار گیرد؟

در مطبوعات قانونی، انحلال طلبان به سرمداری تروتسکی می گویند که می تواند آنها هر چه در توان دارند می کنند تا خصلت واقعی جنبش کارگران را تحریف نمایند. ولی اینها کوششهای مذبحخانه‌ای بیش نیستند. انحلال طلبان در حال غرق شدن به هر خس و خاشاکی متشبث می شوند تا حرف نادرست خود را به کرسی بنشانند.

در سال ۱۹۱۰ گروههای کوچک روشنفکری جنبش درخواست آزادی اجتماعات را شروع کردند. این جنبش ساختگی بود. توده های کارگران بی تفاوت ماندند. هیچکس نمی تواند چنین کار بیهوده‌ای را بر عهده کارگران دانسته به آنها اعتراض کند. این برانزده لیبرالها بود که به رفرم های سیاسی تحت سلطنت تزاری اعتقاد داشته باشند. کارگران غلط بودن تقبل آن را مشاهده کرده و از گود خارج ماندند.

کارگران مخالف مبارزه برای اصلاحات نیستند - آنها برای قانون بیمه مبارزه می کردند. در دومای سوم، کارگران از طریق وکلایشان از هر فرصتی استفاده کردند تا حداقل اصلاحات کوچک را به دست بیاورند. ولی نکته اینجاست که دومای سوم و قانون بیمه افسانه نیستند بلکه حقایق سیاسی اند، در حالیکه «آزادی اجتماعات» تحت سلطنت سوم ژوئن رومانف وعده‌ای توخالی از طرف لیبرالهای فاسد است.

لیبرالها دشمنان انقلاب هستند. حتی هم اکنون مخالفت آنها با انقلاب محرز است - باندهای سیاه دومای سوم به آنها نیاموخته‌اند که ترس از انقلاب را به کناری بگذارند. لیبرالها ترسان از انقلاب، خود را با امید اصلاحات قانونی تسلی داده و از برای کارگران یکی از آن رفرم ها یعنی آزادی اجتماعات را طلب می کنند.

ولی کارگران به افسانه «قانون اساسی» تحت شرایط فقدان آزادیهای عمومی، استبداد افسار گسیخته و دومای سوم اعتقادی ندارند. کارگران آزادی اجتماعات را **مجددانه** طلب می کنند و **بنابراین** برای آزادی تمام مردم، برای **سرنگونی سلطنت** و برقراری جمهوری مبارزه می کنند.

اعتصابات در ماههای آوریل و مه نشان دهنده این حقیقت بود که پرولتاریا یک **اعتصاب انقلابی** را آغاز کرده است. تلفیق اعتصاب سیاسی و اقتصادی، میتینگهای انقلابی و شعار برقراری جمهوری که توسط کارگران سن پترزبورگ در اول ماه مه پیش کشیده شد - تمام این حقایق دلیل قاطع شروع یک **اعتلای انقلابی** بود.

در واقع، شرایط عینی در روسیه چنین است: پرولتاریا مبارزه انقلابی توده‌ای را جهت سرنگونی سلطنت تزاری آغاز کرده است، ناآرامی در نیروهای مسلح افزایش می‌یابد - نشانی بر آنکه آنها به مبارزه پیوسته‌اند. همچنین پیشروترین دهقانان دمکرات از لیبرالها روی بر می‌گردانند و به پیشاهنگ طبقه کارگر روی می‌آورند. در این حال، لیبرالها، دشمنان انقلاب، **فقط** راه «قانونی» را در پیش گرفته و **بر علیه** انقلاب وعده (وعده‌ای پوچ و دروغ) «آزادی اجتماعات» تحت سلطنت روسیه تزاری را به پیش می‌کشند!

چنین است شرایط واقعی سیاسی. و نیروهای واقعی اجتماعی اینها هستند: ۱- سلطنت تزاری که همه «قانون» را به مسخره گرفته است؛ ۲- بورژوا لیبرالهای سلطنت طلب که هر اسان از انقلاب تظاهر می‌کنند که به تلفیق «آزادی» و رژیم تزاری اعتقاد دارند و؛ ۳- دمکراتهای انقلابی؛ که از میان این دسته آخری هم اینک یک رهبر برخاسته است: توده‌های کارگران که ملوانان و سربازان از هلسینگفورس تا تاشکند، به دعوت آنها جواب مثبت می‌دهند.

تحت این شرایط، صحبت انحلال طلبان در مورد «آزادی اجتماعات» بطور ناامیدکننده‌ای احمقانه است! از میان کلیه «اصلاحات»، حضرات سیاست لیبرال کارگری یک رفرم قانونی **غیرممکن** را که هیچ چیز مگر یک وعده نیست، برگزیده‌اند و خودشان را با بازی قانونگرایی «اروپائی» سرگرم کرده‌اند.

چنین نخواهد شد! کارگران لیبرالها و سیاستهای کارگری لیبرال را کنار می‌زنند. آنها از هر رفرمی که واقعاً یک مسئله فوری باشد حمایت و بهره‌برداری کرده و آن را موضوع مبارزه خودشان قرار خواهند داد - هم در دوما سوم و هم در دوما چهارم - از بیمه گرفته تا افزایش دستمزدها برای آنهائی که در ادارات برده وار کار می‌کنند.

ولی کارگران وعده توخالی و مضحک رفرم‌های سیاسی **قانونی** تحت حاکمیت استبداد را به شدت به مسخره می‌گیرند. باشد که مبارزه انقلابی که توسط توده‌ها جهت سرنگونی سلطنت و برقراری جمهوری شروع شده، از نظر وسعت و شدت رشد کند! مبارزه نشان خواهد داد که اگر انقلاب جدید شکست بخورد نتیجه رفرم‌های نیم بند قانونی چه خواهد بود، ولی پیشنهاد راههای غیرانقلابی و رفرم‌های قانونی صلح آمیز به توده‌ها، در حال حاضر که شروع یک تعرض انقلابی است کاری است که فقط از «آدم توی غلاف» (۱) ساخته است.

تعرض انقلابی که شروع شده است، شعارهای انقلابی را طلب می‌کند. مرگ بر سلطنت! زنده باد جمهوری دمکراتیک! هشت ساعت کار و مصادره کلیه اموال ملاکین!

رابوچیا گازتا - شماره ۹ - ۳۰ ژوئیه (۱۲ اوت) ۱۹۱۲  
لنین - مجموعه آثار - جلد ۱۸ - صفحه ۲۴۲

توضیحات

۱- آدم توی غلاف - شخصیت اصلی داستان چخوف با همین نام است. مردی که نمونه بارز انسان کوتاه نظر بی فرهنگی است که با هر چیز بدیع و نو مخالفت می کند.

\*\*\*\*\*

## جنبش اعتصابی و دستمزدها

هر کس می داند که جنبش اعتصابی مشهور کارگران روسیه در سال ۱۹۰۵، نه تنها از جنبه سیاسی بلکه همچنین از جنبه اقتصادی موفقیت‌های بزرگی را به دست آورد. اطلاعات داده شده از گزارشات بازرسان کارخانه (۱) اکنون ما را قادر می سازد تا ایده کاملاً دقیقی از عظمت این موفقیتها به دست دهیم.

بر طبق آن اطلاعات، درآمد متوسط یک کارگر کارخانه عبارت بود از:

در سال ۱۹۰۱	۲۰۱ روبل	در سال ۱۹۰۶	۲۳۱ روبل
در سال ۱۹۰۲	۲۰۲ روبل	در سال ۱۹۰۷	۲۴۱ روبل
در سال ۱۹۰۳	۲۰۸ روبل	در سال ۱۹۰۸	۲۴۲ روبل
در سال ۱۹۰۴	۲۱۳ روبل	در سال ۱۹۰۹	۲۳۶ روبل
در سال ۱۹۰۵	۲۰۵ روبل	در سال ۱۹۱۰	۲۴۲ روبل
میانگین پنج سال ۱۹۰۱-۱۹۰۵	۲۰۶ روبل	میانگین پنج سال ۱۹۰۶-۱۹۱۰	۲۳۸ روبل

این ارقام نشان می دهند که سال ۱۹۰۵ یک نقطه عطف بوده است. زیرا بعد از سال ۱۹۰۵ بود که دستمزدها بطور ناگهانی از ۲۰۵ روبل به ۲۳۱ روبل در سال یعنی به میزان ۲۶ روبل یا بیشتر از ۱۰ درصد، افزایش یافت.

در خصوص سال ۱۹۰۵ که در مقایسه با سال ۱۹۰۴، کاهش ۸ روبل در دستمزدها را نشان می دهد، نکات زیر باید در نظر گرفته شوند: اولاً، سال ۱۹۰۵ سال رکود اقتصادی بود یعنی یک تنزل ناگهانی در صنعت، ثانیاً بر طبق اطلاعات وزارت بازرگانی، کارگران بخاطر عدم پرداخت دستمزدهایشان در زمان اعتصاب ۱۷.۵۰۰.۰۰۰ روبل، یا بطور متوسط برای هر کارگر بیش از ۱۰ روبل را از دست دادند.

بدین ترتیب می توانیم فرض کنیم که دستمزدهای واقعی در سال ۱۹۰۵، ۲۱۵ روبل در سال بوده است ولی از این ۲۱۵ روبل هر کارگر ۱۰ روبل را به جنبش اعتصابی کمک نموده، جنبشی که در سال ۱۹۰۵ با پایداری و وسعت قابل ملاحظه و وسیعی، که در هیچ جای دیگر جهان سابقه نداشت، مشخص می شود.

در نتیجه اکنون که ما این ارقام را برای یک دهه کامل، ۱۰-۱۹۰۱، مورد بررسی قرار می دهیم می توانیم آشکارا یک اختلاف برجسته را بین دوره قبل از انقلاب و بعد از انقلاب، در دستمزدها ملاحظه کنیم.

تا سال ۱۹۰۵ دستمزدهای کارگران کارخانه های روسیه بطور متوسط ۲۰۶ روبل بود. پس از سال ۱۹۰۵ آنها بطور متوسط ۲۳۸ روبل دریافت می کردند یعنی ۳۲ روبل بیشتر در سال - افزایشی حدود ۱۵.۵ درصد.

در عرض یک سال، دستمزدها چنان پرشی صعودی داشتند که تمام تلاشهای بعدی سرمایه داران (که به یاد آوریم، تمام دستاوردهای سال ۱۹۰۵ را یکی پس از دیگری باز پس گرفتند) قادر نبودند که کارگران را به استاندارد پائین زندگی قبلی برگردانند. سال ۱۹۰۵ استاندارد زندگی کارگران را تا درجه ای ارتقاء داد که به طریق معمولی در عرض چندین دهه به دست می آمد.

در اعتصابات سال ۱۹۰۵، بر طبق آمار رسمی، کارگران بخاطر عدم پرداخت دستمزدهایشان در طول اعتصابات ۱۷.۵۰۰.۰۰۰ روبل را از دست دادند. بر اساس همین منبع، کاهش بازده سرمایه داران در ۱۹۰۵، ۱۲۷.۳۰۰.۰۰۰ روبل بود.

به هر حال برای کارگران افزایش دستمزدها بعد از سال ۱۹۰۵، بطور متوسط برای هر کارگر ۲۳ روبل در ۵ سال (۱۹۰۶-۱۹۱۰) منفعت دربر داشت؛ یعنی در مجموع ۵۷.۶۰۰.۰۰۰ روبل در سال یا ۲۸۶ میلیون روبل در پنج سال با توجه به تعداد کارگران که ۱.۸۰۰.۰۰۰ نفر می باشند.

پراودا - شماره ۸۶ - ۹ اوت ۱۹۱۲  
لنین - مجموعه آثار - جلد ۱۸ - صفحه ۲۵۸

## توضیحات

۱- منظور «خلاصه ای از گزارشات بازرسان کارخانه در سال ۱۹۱۰» سن پترزبورگ ۱۹۱۱ است.

کمونیستهای انقلابی

[www.k-en.com](http://www.k-en.com)

[info@k-en.com](mailto:info@k-en.com)